

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا

## ۵۸۸

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنش باز گرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۳ شهریور ۱۳۹۰، ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۱

سردبیر: عبدال گلپریان

## مردم لیبی برای دولت نوع کزای انقلاب نکرده اند!



کزای در افغانستان را بمردم لیبی وعده میدهد.

این خواست مردم لیبی نیست. حکومت سرنگون شده قذافی هم نوعی حکومت معتدل اسلامی بود. دولت موعود جناب عبدالجلیل همانقدر نمیتواند "مدرن و دموکراتیک" باشد که دولت قذافی چنین بود! ممکن

مصطفی عبدالجلیل وزیر دادگستری سابق قذافی و مسئول فعلی "شورای ملی انتقالی" لیبی در اولین سخنرانش در طرابلس "اسلام افراطی" و "سکولاریسم" را رد کرد و اعلام نمود دولت لیبی یک دولت "مدرن و دموکراتیک" متکی بر "اسلام معتدل و قوانین شریعه خواهد بود. عبارت دیگر ایشان حکومتی شبیه حکومت

صفحه ۲

## ماه شهریور سر آغاز تپش قلب هاست

شریف ساعد پناه

شاید بتوان ارزان ترین را خرید. و در صورت عدم موفقیت و چانه زنی های زیاد با چهره ای عبوث و نگران و با دنیایی پر از یاس و ناامیدی به خانه بازگشت. و شب در بستر خواب به دنبال راه چاره ها و چه باید کردها نتوانست خوابید. و گاهی به چهره سوخته فرزند که در خواب شیرین فرو رفته و در دنیای رویا و امیدوار که فردا حتما پدر بهترین ها را برایش خواهد خرید، به نگرانی های پدر صد چندان می افزاید.

صفحه ۶

این روزها جنب و جوش خانواده ها برای تهیه لوازم مدرسه بچه هایشان رنگ و بوی دیگری به خود گرفته است. ماه خزان ماه باز شدن دوباره مدارس، با دلهره و نگرانی خانواده ها همراه است. اگر این روزها در بازار چرخی بزنید، سیمای نگرانی ها و تپش قلبها را به خوبی در چهره بسیاری از کارگران و والدین دانش آموزان خواهید دید. خواهید دید که چگونه برای خرید یک کیف مدرسه بایستی به دهها مغازه سر زد تا

## کنفرانس "ملی کرد" نگاهی به سیاست ما و کومله

مصاحبه محمد آسنگران با تلویزیون ایسکرا  
در مورد کنفرانس ملی کرد  
(کونفرانسی نه ته وی کورد)



متن زیر پیاده شده و ترجمه مصاحبه  
محمد آسنگران با تلویزیون ایسکرا  
از کردی به فارسی است

برگزاری آن هستند. این خبر مربوط به هفت - هشت ماه قبل است. ما از همان روزهای اول این خبر را دریافت کردیم اما چون هیچکدام از جریانات سیاسی آنرا جدی نگرفته بودند و در مورد آن چیزی نگفته بودند، این موضوع در حد خبری بود که از داد و ستد احزاب ناسیونالیستی کردستان و مناسبات میان خودشان حکایت میکرد. این خبر در کنار انواع اخبار و گزارشات

صفحه ۲

نمایندگانی از پارلمان ترکیه هم بودند به کردستان عراق سفر کردند و آنجا با جلال طالبانی و مسعود بارزانی ملاقاتهایی داشتند. و از آنها درخواست کردند که امکان تدارک و فراخوان این کنفرانس را به عهده بگیرند.

این کنفرانس تحت عنوان کنفرانس "ملی کرد" قرار است برگزار شود. طالبانی و بارزانی هم این پیشنهاد را پذیرفته و در تدارک

سؤال: اگر ممکن است بگویید کنفرانسی که تحت عنوان کنفرانس ملی کرد قرار است در کردستان عراق برگزار شود داستانش از چه قرار است؟ به بینندگان ما بگویید موضوع چیست؟

آسنگران: تا جایی که ما خبر داریم چند ماه قبل خبر به این صورت بود که هیئتی از افراد حزب ب.د.پ که حزبی از کردستان ترکیه است و قانونی در آنجا فعالیت میکند و در انتخابات پارلمانی ترکیه هم شرکت کرده و تعدادی نمایندگان این حزب هم انتخاب شده اند، هیئتی از این حزب که

## ناسیونالیسم و مساله ملی / منصور حکمت

صفحه ۴

ساختار و ارکان های قدرت سیاسی

صفحه ۵

اخراج ۵ تن از کارگران زرین بنا پارسیان

صفحه ۵

نیروهای انتظامی و امنیتی جمهوری اسلامی همچنان کارگران مرزی را مورد حمله قرار می دهند

صفحه ۵

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## کنفرانس "ملی کرد" نگاهی ...

دیگر از این نوع بود و طبعا ما هم آنرا مثل يك خبر تلقی کردیم. اما اکنون میبینیم که تعدادی از احزاب ناسیونالیست کرد و احزاب و سازمانهای فعال در کردستان به عنوان موضوع مهمی از آن اسم برده و سیاست خود را در قبال آن بیان کرده اند. زیرا تدارك برگزاری این کنفرانس عملاً آغاز شده است. قبلاً قرار بود در سپتامبر ۲۰۱۱ این کنفرانس برگزار شود. اما به دلیل اینکه ظاهراً تدارك آنرا نتوانستند به سرانجام برسانند قرار شده است که در ماه اکتبر و یا نوامبر این کنفرانس در شهر اربیل عراق برگزار شود.

طبق آخرین خبر احتمالاً باز هم برگزاری این کنفرانس به تعویق خواهد افتاد. اینکه اساساً چنین کنفرانسی برگزار میشود یا نه بحث دیگری است. اما در هر حال آنچه معلوم است طالبانی و بارزانی هیتتی را مامور تدارك برگزاری این کنفرانس کرده اند.

درگیریهایی اخیر در مرزهای شمالی عراق و (منطقه تحت حاکمیت طالبانی و بارزانی) و ورود ارتشهای ترکیه و ایران به داخل خاک عراق تأثیراتی بر روند این کنفرانس هم گذاشته است. از طرف دیگر ترکیه با اقدامی سرکوبگرانه علیه مخالفین خود و حزب "ب.د.پ" تعدادی از افراد این حزب را دستگیر کرده است. همه اینها ممکن است فاکتورهایی باشند که این کنفرانس را به تعویق بیندازد و یا مشکلاتی بوجود بیاورد. اما اصل قضیه این است که با توجه به تحولاتی که در منطقه روی داده است بین حزب "ب.د.پ" و طالبانی و بارزانی این توافق به عمل آمده است که چنین کنفرانسی برگزار شود و همه "احزاب فعال" به این کنفرانس دعوت شوند. طبعا آنها منظورشان فقط "احزاب کرد" است. این احزاب قرار است در این کنفرانس شرکت کنند و در مورد مسئله کرد حرف بزنند.

**سؤال:** چه جریاناتی قرار است در این کنفرانس شرکت کنند آیا کسی یا کسانی تا کنون مخالف شرکت در این کنفرانس بوده است؟

**آستگران:** تا جایی که ما مطلع هستیم همه احزابی که خود را "احزاب کرد" معرفی میکنند برای شرکت در این کنفرانس توافق دارند و از آن استقبال کرده اند. تازه چپ ترین حزب کردستان در میان این احزاب که کومه- سازمان کردستان حزب کمونیست ایران باشد، از زبان دبیر اول خود ابراهیم علیزاده از این کنفرانس استقبال کرده است و از آن به عنوان يك موضوع مهم اسم برده است. گویا تعادل قوا را تغییر میدهد و ... بقیه احزاب هم که همیشه آرزوی چنین تجمعاتی را داشته اند. تا جایی که من اطلاع دارم از میان "احزاب کرد" مورد نظر آنها تا کنون هیچکدام مخالفتی نداشته اند. همه آنها در انتظار برگزاری چنین کنفرانسی هستند.

**سؤال:** چرا این جریانات برای این کنفرانس اهمیت قابل اند و برای آنها مهم است که چنین کنفرانسی برگزار شود؟

**آستگران:** من فکر میکنم دلیل اصلی این مسئله ضعف این جریانات است. ضعفی که در خود مشاهده کرده و مشکلاتی پیش روی خود میبینند و فکر میکنند چنین تجمعی راه حلی به روی آنها میکشاید. این يك دلیل اصلی است اما دلایل دیگری هم وجود دارد. تحولاتی در منطقه رخ داده است بویژه انقلاباتی که در کشورهای عربی و در منطقه از جمله در سوریه و اخیراً در اسرائیل هم اعتراضاتی شروع شده است، اینها هم فکر میکنند در چنین موقعیتی اگر بتوانند در کنار هم قرار گیرند و به توافقاتی دست پیدا کنند ممکن است تعادل قوا را به نفع خود تغییر دهند. این سیاستی است که بیان کرده اند. اما اصل موضوع و واقعیت این تحرك فراتر از این مسایل است. اولاً این طرح تازه ای نیست چندین سال قبل چنین اقدامی تحت عنوان "کنگره ملی کرد" وجود داشت و اساساً آن کنگره در دست پ.ك.ك بود و به ابتکار آنها شکل گرفته بود. احزاب دیگر بعضاً در آن شرکت میکردند و تعدادی هم اصلاً شرکت نکردند. آن کنگره به مرور

زمان بی خاصیتی و بی تأثیری خود را نشان داد و عملاً از بین رفت. چنانکه اکنون چیزی به اسم "کنگره ملی کرد" وجود خارجی ندارد. ابتدا تعدادی از همین احزاب مورد بحث در آن کنگره شرکت کردند. تعدادی هم به دلیل رقابت با همدیگر در آن کنگره شرکت نکردند.

اکنون پیشنهاد و ایده این کنفرانس باز هم از جانب پ.ك.ك و از زبان ب.د.پ مطرح شده است. این حزب نزدیکیش با پ.ك.ك موضوع آشکار و غیر قابل انکاری است. آنها تلاش میکنند با توجه به اینکه طالبانی و بارزانی به قدرت رسیده و امکانات مالی و نظامی معینی دارند و حکومتی منطقیه ای در عراق در دست آنها است مبتکر برگزاری چنین کنفرانسی باشند. از نظر آنها اگر طالبانی و بارزانی مبتکر این اقدام باشند ممکن است تعداد بیشتری در این کنفرانس شرکت کنند. همچنین از نظر اینها راه حلی محسوب میشود که پ.ك.ك را از این موقعیت و تنگنا بیرون بیاورند. آنها فکر میکنند این راهی است که به نوعی ممکن است تعادل قوا را به نفع پ.ك.ك تغییر دهد.

اما از نظر دیگر احزاب ناسیونالیست کرد موضوع طور دیگری است. آنها فکر میکنند اگر در کنار هم قرار گیرند در مقابل دولتهای منطقه و رقبای دیگرشان در منطقه صدای رسا تری خواهند داشت. این در خود موضوعی است که از نظر جریانات ناسیونالیست کرد قرار است بر پراکندگی این جریانات فایق آید. و کم تأثیری و روند رو به ضعف این جنبش را با این اقدام جبران کنند. این موضوع از آنجا اهمیت دارد که مردم به بی کفایتی و ناتوانی این جنبش بیشتر واقف شده و میشوند و احزابی که در کردستان عراق هم به قدرت رسیده اند ما میبینیم که چه نتیجه ای به بار آورده و مردم چه نفرت عمیقی از این احزاب و نقش سرکوبگرانه آنها دارند. ظاهراً این راه حلی است که بتوانند ضعف ناسیونالیسم کرد را جبران کنند.

متأسفانه حزب کمونیست ایران

## مردم لیبی برای دولت ...

از صفحه ۱

است وزیر دادگستری سابق قذافی مشکلی با این مساله نداشته باشد ولی توده مردمی که بیش از شش ماه قهرمانانه جنگیدند و دیکتاتور را فراری دادند به نسخه دیگری از همان حکومت رضایت نخواهند داد.

روشن است که این نسخه حکومتی آلترناتیو مطلوب دولتهای غربی نیز هست. يك هدف از دخالت نظامی نیروهای ناتو جا زدن دولتی از نوع کرزای بعنوان حاصل پیروزی انقلاب لیبی بود و اکنون سرهم کردن چنین دولتی بعهدده وزیر سابق قذافی سپرده شده است. همچنانکه در مصر این نقش را نتطاولی ژنرال سابق مبارک بعهدده گرفت.

در برابر این نوع تلاش دولتهای غربی و بازماندگان حکومتهای سرنگون شده توده پیاخاسته مردمی قرار دارند که خواهان رفاه و آزادی و برابری و يك زندگی انسانی هستند. اسلام از هر نوع و شاخه ای از اساس با این خواست و آرزوی مردم متناقض است. این واقعیت را مردم ایران به یمن بیش از سی سال زندگی زیر یوغ حکومت و قوانین اسلامی بهتر از هر کس دیگری میدانند. پیام مردم ایران به مردم لیبی و

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ شهریور ۱۳۹۰  
۱۳ سپتامبر ۲۰۱۱

و سازمان کردستان آن کومله هم از این اقدام استقبال کرده اند. که خود این هم جای تامل جدی دارد.

**سؤال:** این مسئله چه جایگاهی دارد آیا واقعا چنین کنفرانسی میتواند راه حلی برای مسئله کرد باشد یا جنبش ناسیونالیستی کرد را تقویت میکند؟

**آستگران:** به نظر من کنفرانس "ملی کرد" همان جایگاهی را دارد که "کنگره ملی کرد" داشت. از این محدوده فراتر نخواهد رفت و به هیچ نتیجه ای هم نمیتواند برسد. با توجه به شناختی که ما از جریانات موجود در کردستان داریم و با توجه به روند اوضاع سیاسی و تحولات عظیمی که در منطقه روی داده و در جریان است این نوع اقدامات فقط

## کنفرانس "ملی کرد" نگاه‌های...

## کنفرانس ملی کرد

**مصاحبه ابراهیم علیزاده با تلویزیون کومله و سیاست کومله در مورد این کنفرانس متن زیر ترجمه کردی به فارسی و عین مصاحبه ابراهیم علیزاده با تلویزیون کومله در این مورد است**

مباحثی در میدیای کردستان عراق و منابع اپوزیسیون خارج کشور مطرح شده است که از تلاش برای برگزاری "کنفرانس ملی کرد" با شرکت نمایندگان همه احزاب و سازمانهای که در همه بخشهای کردستان فعال هستند خبر میدهد. پیشینه و سابقه این تلاشها به چه مقطعی برمیگردد و سیاست کومله به طور کلی در قبال تشکیل این کنفرانس چیست؟

**سؤال:** رفیق ابراهیم اخیرا اکنون يك بار ديگر اين تلاشها در جريان است. ما طبعاً هنگاميكه در چنين كنفرانسی شرکت ميكنيم حرف خودمان را ميزنيم. در آنجا راه و روشی كه فكر ميكنيم برای خنثی کردن اين توطئه ها كارساز است را مطرح ميكنيم. و برای هماهنگی بیشتر و كم ضرر تر کردن مبارزه مردم در همه بخشهای كردستان آنجا حرف و سياست خودمان را مطرح ميكنيم. من نمیتوانم از همین حالا خوشبینی بیش از حد از نتایج چنين كنفرانسی اعلام كنم. اما مطمئن هستم كه نفس این كنفرانس قدمی است كه دولتهای منطقه تا اندازه ای ناچارند برای آن حساب باز كنند. آنها را در مقابل عملی قرار میدهد كه نشانه تعادل قوای تازه ای از نیروها خواهد بود كه بوجود آمده است.

طبعاً اگر در چنين كنفرانسی سياستی مشترك، بیانیه مشترك و نقشه مشتركی تدوین و اعلام بشود به همان نسبت جنبش مردم كردستان در همه بخشهای آن احساس قدرت و امیدواری بیشتری ميكنند. به همین دلیل ما به استقبال چنين كنفرانسی ميرويم. تنها شرط ما این است كه نمیتوانيم سازمانی باشیم كه به این كنفرانس دعوت بشویم، بلکه باید ما در كمیته برگزاری و تدارك این كنفرانس سهیم و شريك باشیم. و در جريان جزئیات كار تدارك این كنفرانس شركت داشته باشیم و با توجه به ضوابطی كه وجود دارد بتوانیم نقش ایفا كنیم.

اگر چنين كنفرانسی تشكيل شد ما با تمام توان و با صداقت كامل تلاش ميكنيم كه پیروزی كامل و یا پیروزی نسبی آن كمك برسائیم. \* \* \*

**سؤال:** رفیق ابراهیم اخیرا مباحثی در میدیای کردستان عراق و منابع اپوزیسیون خارج کشور مطرح شده است که از تلاش برای برگزاری "کنفرانس ملی کرد" با شرکت نمایندگان همه احزاب و سازمانهای که در همه بخشهای کردستان فعال هستند خبر میدهد. پیشینه و سابقه این تلاشها به چه مقطعی برمیگردد و سیاست کومله به طور کلی در قبال تشکیل این کنفرانس چیست؟

**ابراهیم علیزاده:** مدت‌ها است که احساس میشود در حالی که دولتهای ستمکار که مردم کردستان را از حقوق اولیه خود محروم کرده و تحت ستم قرار داده و از حقوق ملی خود محروم کرده اند و با هم هماهنگ هستند، نقشه مشترك و سياست مشترك تدوین ميكند و از اختلافات احزاب سياسی این یا آن بخش كردستان در راستای منافع خودشان استفاده ميكند و انواع توطئه در جريان است.

خیلی طبیعی است اگر نیروهای سياسی مسئول كردستان به منظور رفع ستم ملی راستگو باشند، دور هم جمع بشوند و تلاش كنند برای اينكه سياستی تدوین كنند و روشهایی در پيش بگیرند و اقداماتی انجام بدهند كه این توطئه ها را خنثی كنند.

این ایده از مدت‌ها قبل وجود داشته است. تلاشهای برای آن شده است. بویژه دو سال قبل تلاشهایی شد و ما به گرمی از آن استقبال کردیم. و قرار بود کنفرانسی مشترك برگزار شود و نمایندگان احزاب سياسی و شخصیت‌های سياسی بخشهای مختلف كردستان در آن شركت كنند. متأسفانه به دلیل مشکلاتی كه پيش آمد این كنفرانس برگزار نشد.

این مورد چیست؟

این اقدام اساساً مانعی پيش روی مردم آزادیخواه كردستان قرار میدهد نه راه حلی برای این مردم كه برای رفع ستم ملی و آزادی و رهایی به میدان آمده اند.

**سؤال:** موضع حزب در مورد این کنفرانس چیست؟

**آسگران:** من فكر ميكنم تا كنون و در جواب به سوالات قبلی موضع خودمان را گفته باشم اما لازم است يك بار ديگر تأكيد كنم كه این حرکتی ارتجاعی است. هیچ حرکتی ناسیونالیستی است. هیچ نتیجه ای نخواهد داشت. اگر نتیجه ای هم داشته باشد نتایج آن به ضرر مردم كردستان خواهد بود. به ضرر حرکت آزادیخواهی مردم تمام خواهد شد. و هر گونه توهمی به این كنفرانس كه عملاً ادامه همان "كنگره ملی کرد" است به ضرر مردم و خاك پاشیدن به چشم مردم است. این اقدامی در جهت تضعیف حرکت رادیکال و آزادیخواهانه مردم و جنبش كمونیستی جنبش برابری طلبانه مردم در این منطقه و بویژه در ایران است.

من همینجا اعلام ميكنم كه بهتر است كومه صریح و روشن از این سياست فاصله بگیرد و از شركت در این كنفرانس خودداری كند. هر چند ظاهراً این سياست در چهار چوب فکری و سياست آنها قرار گرفته است. اما این باید روشن باشد كه چنين سياستی تماماً ناسیونالیستی و به ضرر مردم كردستان است.

\* \* \*

**آسگران:** من باید اینرا به صراحت بیان كنم كه این سياست نادرستی است. سياستی است كه تحت عنوان هر نوع دیپلماسی و یا ملاحظه ای بیان شده باشد، خود این سياست تماماً ناسیونالیستی است. این سياستی است كه به ضرر جنبش كمونیستی و به ضرر جنبش آزادیخواهی و مردم كردستان تمام خواهد شد. این حرکت اساساً تقویت جریاناتی غير مسئول و جریاناتی كه هم اکنون در كردستان عراق مشغول سرکوب مردم كردستان در عراق هستند میباشد. تقویت کسانی مثل طالبانی و بارزانی است. آنها هستند كه در این كنفرانس به آيكون آن تبدیل ميشوند. و جریانات چپ و نیمه چپ به هیچ شكلی مجال اینرا پیدا نخواهند كرد كه در این كنفرانس بخوانند حرفی بزنند كه دیگران به آن توجه جدی نشان بدهند. من هم مصاحبه ابراهیم علیزاده در این مورد را شنیدم. اینرا میگويد كه ما میرويم حرف خودمان را ميزنيم. معلوم است كه هر کسی میروود حرف خودش را بزند. این طبیعی است كه چنين باشد اما هنگاميكه از يك اقدام و حرکت ناسیونالیستی استقبال ميكنيد، وقتی كه از كنفرانسی استقبال ميكنيد كه ناسیونالیستها مبتکر آن هستند، وقتی از حرکتی استقبال ميكنيد كه طالبانی و بارزانی بعنوان سرکوبگران مردم كردستان در عراق سخنگویان اصلی آن هستند و آنها میخواهند این كنفرانس را برگزار كنند، دود این اقدام در قدم اول به چشم همین سازمان و یا کسانیكه خود را چپ و كمونیست و آزادیخواه میدانند و در این كنفرانس شركت ميكند

معینی از قدرتها و دولتهای معینی میدانند. هر کدام از آنها سرشان به دولتی وصل است. برای مثال طالبانی و بارزانی بدون اینكه سياست خود را با آمریکا منطبق كنند پای هیچ سياستی نخواهند رفت. و آنها تلاش ميكند همه احزاب و جریانات سياسی در كردستان را در جهتی تشویق و كانالیزه كنند كه آمریکا علاقمند است. و علاوه بر این، آنها سعی ميكند احزاب را به سمتی هدایت كنند كه دولتهای جمهوری اسلامی و تركیه را آرام كنند و راه مذاکره و معامله و سازش را جلو پای این احزاب قرار دهند. از نظر طالبانی و بارزانی این هدف اصلی و اساسی چنين كنفرانسی است.

احزاب ديگر چه به عنوان مهمان و چه به عنوان شريك و سهيم در برگزاری این كنفرانس نه وزنی خواهند داشت و نه به جایی خواهند رسید. حتی کسانی كه مدعی سياست بهتری به نسبت بقیه هستند نمیتوانند چیزی به نفع خود در این كنفرانس تغییر دهند. جریانات و جنبشی كه از این اقدام ميتوانند نفعی ببرند ناسیونالیستها و جنبش ناسیونالیستی كرد هستند. این اقدام اساساً برای زنده نگهداشتن و تقویت جنبش ناسیونالیستی كرد علیه جنبشهای رادیکال، آزادیخواهانه و برابری طلبانه است كه هم اکنون در تعدادی از کشورهای منطقه بویژه در ایران در جريان است.

**سؤال:** كومه و ابراهیم علیزاده دبیر اول كومه از این كنفرانس استقبال کرده است و حتی گفته است كه شرطی شركت ميكنيم كه در جريان برگزاری این كنفرانس شريك باشیم نظر شما در

**كمونیسم كارگری يك جنبش وسیع است. صرفاً ساختمانی در سلیمانیه نیست. نوبت ما و مردم است. دوران حكومت طوایف و دارودسته های مسلح وابسته به دولتهای متفرقه در كردستان به سر رسیده است.**

منصور حكمت

**زنده باد انقلاب انسانی  
برای حكومت انسانی**

## ناسیونالیسم و مساله ملی

منصور حکمت



مساله دولت و قدرت سیاسی و رابطه آن با ملت و هویت ملی، مساله محوری ناسیونالیسم است. سهم ناسیونالیسم در خلق مساله ملی، کشیدن اصطکاکها و تفاوتهای ملی از قلمرو اقتصادی یا فرهنگی به قلمرو سیاست و مساله قدرت است. مادام که تفاوتها، نابرابریها، کشمکشها و تنشهای ملی و قومی صریحا به مساله دولت و حاکمیت ربط پیدا نکرده اند، هنوز مساله ملی به معنی اخض کلمه بروز نکرده است. کار ناسیونالیسم اینست که این گذار به قلمرو سیاست و قدرت دولتی را تضمین کند.

مساله ملی بیش از هر چیز نتیجه ملی بودن فلسفه قدرت دولتی در جامعه است. ناسیونالیسم ملت بالادست و به میدان آوردن دولت بعنوان ابزاری در تضمین برتری ملی و قانونیت بخشیدن به تبعیضات ملی یک سرچشمه اصلی پیدایش مساله ملی در چهارگوشه جهان است. ستم ملی به معنی اخض کلمه مقوله ای سیاسی است. نابرابری های موجود در امکانات اقتصادی و فرهنگی میان ملیتهای مختلف در نظامی که در آن ایدئولوژی حاکمیت بر ملیت مبتنی نیست، شانس کمتری برای تبدیل شدن به یک کشمکش سیاسی و شکل دادن به یک مساله ملی در جامعه دارد.

اما سرکوبگری ناسیونالیسم ملت بالادست تنها منشاء و بستر پیدایش مساله ملی نیست. وقایع همین چند ساله اول دهه نود بروشنی نشان میدهد که حرکتهای ناسیونالیستی قادرند تحت شرایط خاص بزرگترین جدالهای ملی را بر کوچکترین و فرعی ترین شکافهای ملی و قومی بنا کنند. اگر فرمول عامی بتوان در مورد پیدایش مساله ملی داد اینست که وجود مساله ملی به معنی اخض کلمه محصول عملکرد ناسیونالیسم است و تقابل و رو در رویی حاد ناسیونالیسمهای مختلف مشخصه همه موارد مساله ملی است. وقتی این رو در رویی عملا شکل گرفته و

هستند که در دست جنبشهای اجتماعی مختلف به سرانجامهای مختلفی میرسند. لیبرالیسم و کمونیسم و سوسیال دموکراسی و ناسیونالیسم با این واقعیات و پتانسیلها یکسان رفتار نمیکنند. ناسیونالیسم آن جریانی است که میخواهد به این شکافها و تفاوتها تبلور سیاسی ببخشد. ناسیونالیسم آن جریانی است که این تفاوتهای بالفعل و بالقوه را مستقیما به مساله قدرت سیاسی و ایدئولوژی حاکمیت ربط میدهد.

قبلا گفتیم که ناسیونالیسم محصول خودپرستانه ملتها نیست، برعکس، ملتها و خودپرستی و تعصبات ملی شان محصول ناسیونالیسم اند. ناسیونالیسم، مستقل از اینکه در چه دوره ای و بر متن کدام روندهای پایه ای در قلمرو اقتصادی سیاسی پا به میدان میگنارد، یک ایدئولوژی بورژوازی برای سازماندهی قدرت طبقاتی است. ایدئولوژی ای است که تلاش میکند حکومت طبقاتی بورژوا را به نحوی سازمان بدهد که محصول و تجسم سیاسی خاصیت و مشخصات ذاتی مشترکی میان اتباع آن جلوه گر شود. هویت ملی سنگ بنای استراتژی ناسیونالیسم در سازماندهی دولت طبقاتی بورژوازی است. دولت طبقه حاکمه، تجسم خارجی ذات و هویت ملی مشترک و ماوراء طبقاتی اتباعش قلمداد میشود، حال آنکه بطور واقعی این هویت ملی اتباع جامعه است که تجسم درونی و انعکاس ایدئولوژی ناسیونالیستی قدرت در اذهان آنها است. این نیازهای سازمانیابی قدرت طبقاتی بورژوازی است که برای ناسیونالیسم اختراع مقوله ملت و هویت ملی را ایجاد میکند.

ناسیونالیسم و مسئله ملی  
قسمت آخر از بخش سوم،  
(انترناسیونالیسم و مسئله ملی)  
در نوشته منصور حکمت تحت  
عنوان "ملت، ناسیونالیسم و برنامه  
کمونیسم کارگری" است که در این  
شماره ایسکرا بچاپ رسیده است  
ایسکرا

مساله ملی، بعنوان یک تقابل اجتماعی بر مبنای هویتهای ملی که چنان اوج میگردد که جدایی سیاسی را بعنوان یک راه حل طرح میکند، از کجا پیدا میشود؟ نفس وجود هویتهای ملی مختلف پیدایش یک مساله ملی در جامعه را اجتناب ناپذیر میکند. مثالهای همزیستی بی مشکل و کم اصطکاک ملیتهای مختلف در چهارچوبهای کشوری واحد بسیار است، وجود ستم و تبعیض ملی هم هنوز معادل بروز مساله ملی در مقیاس اجتماعی نیست. در بسیاری کشورها تبعیضات ملی در عین اینکه یک واقعیت محسوس و رنج آور زندگی ملیتهای فرودست هستند، با اینحال در متن مناسبات قوام گرفته اقتصادی و سیاسی موجود در جامعه، برای خود آحاد ملیت فرودست فرعی تر از آن جلوه گر میشوند که یک کشمکش سیاسی حاد را ایجاد کنند. مبارزه برای رفع این تبعیضات در موارد بسیار زیادی به بروز یک مساله ملی برای آن جامعه منجر نمیشود.

واقعیت اینست که برای پیدایش مساله ملی باید ناسیونالیسم بعنوان یک ایدئولوژی و حرکت اجتماعی پا به وسط صحنه گذاشته باشد. تفاوت های ملی و قومی و نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی برحسب تعلقات ملی، واقعیاتی

که هنوز در قلمرو فرهنگ و ابراز وجود فرهنگی مانده است، ناسیونالیسمی که هنوز در میان ملت مربوطه، چه بالادست و چه فرودست، یک جریان حاشیه و یک گروه فشار کوچک است، پریدن به بحث حق جدایی را موجه نمیکند. برسمیت شناسی حق جدایی درمان دردی است که عملا عارض شده باشد، واکنشی برای پیشگیری از مساله ملی نیست. یک وجه دیگر این بحث این است که مسائل ملی موجود ممکن است در سیر تاریخی از دور خارج شوند و مسائل جدیدی به جلوی صحنه بیایند. شکاف ملی ای که امروز به یک معضل سیاسی و اجتماعی محوری بدل نشده، میتواند در ظرف چند سال به همت ناسیونالیسم چنین شود. تشخیص کنکرت مساله در هر مورد، شرط لازم اصولیت کمونیستی در قبال مساله ملی است.

فرمولبندی ما مبنی بر مرتبط کردن بحث حق جدایی به وجود مساله ملی به معنی سیاسی کلمه، کمک میکند بتوانیم بر وظایف ضد ناسیونالیستی کمونیسم قبل از بروز مساله ملی تاکید بیشتری بگذاریم. مبارزه فعال با ستم و تبعیض ملی، فراخوان به یک مبارزه سراسری برای یک جامعه برابر و بی تبعیض، افشای ناسیونالیسم و منافع و محتوای بورژوازی آن در هر دو سوی کشمکشهای ملی، تبلیغ هویت طبقاتی مشترک کارگران و هویت انسانی مشترک همه مردم و نقد نگرش تعصب آمیز ناسیونالیستی، اینها وظایف اصلی و حیاتی کمونیسم علیه تحرك ناسیونالیستی و افق ملی است. فرمولبندی برنامه ای ما با قرار دادن بحث "حق ملل" در چهارچوب معین و دامنه شمول محدود و واقعی آن، جنبش کمونیستی را آنطور که باید در تخاصم آشتی ناپذیر با ناسیونالیسم تعریف میکند و در اکثریت عظیم موارد به تعرض علیه آن فرا میخواند، بدون آنکه ما را از ابزارهای سیاسی واقعی برای دخالت واقعی در بحرانهای ملی در جامعه محروم کند.

مجموعه آثار منصور حکمت  
جلد هشتم صفحات ۱۶۱ تا ۱۷۸  
\*\*\*

جدال بر سر قدرت تحت پرچم هویتهای ملی مختلف میان بخشهای مختلف بورژوازی بالا گرفته است، دیگر منشاء اجتماعی و فرهنگی اصطکاکهای اولیه چیزی را در مورد ماهیت و مبنای امروزی مساله توضیح نمیدهد.

مساله ملی محصول ناسیونالیسم است. اما حل آن بارها به دوش سوسیالیسم کارگری قرار میگردد. بحث برسمیت شناسی حق جدایی یک ابزار مهم کمونیسم و طبقه کارگر در قبال بن بست و بحرانی است که ناسیونالیسم و بورژوازی بیار آورده اند. به این اعتبار وارد شدن بحث حق جدایی به برنامه کمونیستی به معنی برسمیت شناسی قدرت مخرب ناسیونالیسم در دنیای بورژوازی است. برسمیت شناسی حق جدایی، سلاحی در مبارزه علیه ناسیونالیسم است. و این آن جنبه ای از درک مارکسیستی در قبال مساله ملی است که بطور ویژه مدیون لنین هستیم. یک «کمونیسم پراتیک» که امحاء تبعیضات و هویت های کاذب ملی تنها شعار بر پرچم و آرزوی در دلش نیست، بلکه وظیفه ای است که عملا در برابر خود قرار داده است. کمونیسم پراتیکی که میخواهد اصول خویش را در جهان واقعی و در برابر نیروی عظیم جریانات بورژوازی به اجرا در بیاورد. برسمیت شناسی حق جدایی ملل تحت ستم بعنوان راه حل مساله ملی، روشی برای خلع سلاح ناسیونالیسم و بورژوازی و راه باز کردن برای خلاصی توده مردم کارگر و زحمتکش از تاثیرات مخرب ناسیونالیسم بر ذهنیت و زندگی شان است.

این بحث در عین حال به این معناست که برسمیت شناسی حق جدایی زمانی موضوعیت پیدا میکند که جریانات ناسیونالیستی پیشروی قابل ملاحظه ای کرده باشند و خرافات خویش را به نیروی مادی در جامعه تبدیل کرده باشند. بخصوص اینکه کار را به قلمرو کشمکش فعال در عرصه سیاسی کشانده باشند. وجود ناسیونالیسمی



## ساختار و ارگان های قدرت سیاسی بخشی از یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری

### حکومت شورایی

دوران معاصر بیش از هر زمان بی حقوقی واقعی مردم و ظاهری بودن دخالت آنها در امر حکومت در دموکراسی های لیبرالی و پارلمانی را به نمایش گذاشته است. جامعه ای که بخواهد دخالت توده وسیع مردم را در دولت و در تصویب و اجرای قوانین و سیاستها تضمین کند، نمیتواند بر پارلمان و سیستم دموکراسی نیابتی استوار باشد. اعمال حاکمیت در سطوح مختلف، از سطح محلی تا سراسری باید توسط شوراهای خود مردم انجام شود که همه هم به مثابه قانونگذار و هم مجری قانون عمل میکنند. عالیترین ارگان حکومتی کشور کنگره سراسری نمایندگان شوراهای مردم خواهد بود. هر فرد بالای ۱۶ سال عضو صاحب رای شورای محلی خود محسوب میشود و حق دارد خود را برای کلیه مقامات و پست های شورای محلی و یا نمایندگی در شوراهای بالاتر کاندید نماید.

### انحلال ارتش

ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای در جامعه موجود جز دار و دسته های مسلح و اجیر طبقه حاکم نیستند که به هزینه کارگران و مردم زحمتکش برای تحت انقیاد نگاهداشتن خود آنها و نیز پاسداری از منافع اقتصادی و بازار داخلی بورژوازی هر کشور در مقابل دیگری سازماندهی شده اند. علیرغم اینکه طبقه حاکم میکوشد تحت عناوین مختلف

ماهیت طبقاتی و مصرف واقعی ارتش خویش را بپوشاند و آن را ارگانی عمومی و عام المنفعه قلمداد نماید، رابطه تنگاتنگ ارتش ها با طبقات حاکمه و نقش آنها در حراست از منافع اربابان جامعه برای توده وسیع مردم، نه فقط در کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتینی که نقش سرکوبگر ارتش و پلیس در آنها برجسته تر و علنی تر بوده است، بلکه در اروپا و آمریکای شمالی هم که اسطوره ارتش غیر سیاسی رواج بیشتری داشته است، کاملاً قابل مشاهده است.

حزب کمونیست کارگری مدافع برچیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای است.

ارتش و سپاه پاسداران و سایر نیروهای مسلح حرفه ای و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی باید منحل گردند.

نیروی میلیس شوراهای مردم، مبتنی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در وظایف انتظامی و دفاعی، جایگزین ارتش حرفه ای و مافوق مردم میشود.

حزب کمونیست کارگری بعلاوه معتقد است که اصول زیر باید در هر حال و تحت هر شرایطی مادام که نیروهای مسلح وجود دارند به اجرا در آیند:

لغو اطاعت بی چون و چرای پائین از

بالا در نیروهای مسلح، هر فرد نظامی حق دارد از اجرای دستوراتی که به نظر او با قوانین کشور در تناقض باشد و یا با اصول انسانی و وجدانی وی مغایرت داشته باشد امتناع نماید.

هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول و اعتقادات وی مغایرت داشته باشد امتناع نماید.

نیروهای انتظامی باید در حین ماموریت و انجام وظیفه انیفورم نظامی خود را بتن داشته باشند و اسلحه خود را به نحوی حمل کنند که دیده شود. تشکیل نیروی مسلح فاقد اونیفورم و یا انجام ماموریت بعنوان پلیس مسلح در لباس سیویل ممنوع است. این حق هر شهروند است که بتواند از حضور نیروهای انتظامی مسلح در محیط پیرامونی خود (محل کار، زیست، تردد و غیره) مطلع شود.

افراد عضو نیروهای نظامی حق دارند در فعالیت های سیاسی شرکت کنند و در احزاب سیاسی عضو شوند. فعالیت احزاب سیاسی، اتحادیه ها و سایر تشکل ها در درون نیروهای نظامی آزاد است.

### لغو بوروکراسی مافوق مردم و شرکت مستقیم مردم در اداره امور

انتخابی شدن کلیه مقامات و پست های سیاسی و اداری در کشور توسط مردم و قابل عزل بودن آنها هر زمان که اکثریت انتخاب

کنندگان آنها اراده کنند. افرادی که به مشاغل سیاسی و اداری کشوری انتخاب میگردند باید حداکثر حقوقی معادل مزد متوسط کارگر دریافت دارند. اعمال نظارت مستقیم مردم از طریق نهادهای شورایی بر فعالیت کلیه نهادها و مقامات اداری، ساده کردن سلسله مراتب، زبان و مقررات کار ادارات دولتی به نحوی که دخالت و اعمال کنترل شهروندان بر آن به سهولت عملی باشد.

ارتقاء استانداردهای اخلاق اداری و وجدان کار و احترام به شهروندان و مراجعان. سوء استفاده مقامات اداری از موقعیت شغلی، رشوه خواری، پارتی بازی، اعمال تبعیض و عدول از ضوابط و مصوبات قانونی یا تعلل در اجرای آنها، باید بعنوان جرائم عمد در دادگاه های عادی مورد تعقیب قرار بگیرد. ممنوعیت اکید استفاده از امکانات و تسهیلات مربوط به منصب اداری برای مصارف شخصی.

حق بدون قید و شرط افراد به اقامه دعوا علیه هر مقام دولتی در دادگاه های عادی.

### برقراری دادگستری مستقل و تامین عدالت قضایی برای همه

سیستم قضایی و مفهوم عدالت قضایی در هر نظامی انعکاسی از مناسبات اجتماعی و بنیادهای اقتصادی و سیاسی در آن است. قلمرو قضا، اعم از پیکره قوانین و تلقی حاکم از حق و انصاف و عدالت تا نهادها و سیستم اداری و روش قوه قضائیه، بخشی از روینای سیاسی در جامعه است که شالوده اقتصادی و طبقاتی موجود در جامعه را

حراست میکند. به این اعتبار عدالت قضایی واقعی و برخورداری یکسان همه از آن، و قضاوت و حکمیت برآستی مستقل و منصفانه، منوط به دگرگونی بنیادی جامعه طبقاتی موجود است در این راستا، و بمنظور تضمین عادلانه ترین موازین قضایی ممکن در جامعه موجود، حزب کمونیست کارگری خواهان تحقق فوری اصول پایه زیر است.

استقلال حقوقی کامل قضات، دادگاه ها و سیستم قضایی از قوه مجریه.

انتخابی بودن قضات و سایر مقامات قضایی توسط مردم. قابل عزل بودن آنها هرگاه که اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند لغو دادگاه های ویژه و رسیدگی به کلیه جرائم در دادگاه های عادی. علنی بودن کلیه محاکمات.

تشکیل دادگاه با حضور هیات منصفه در کلیه جرائم عمده جنایی حق متهم و وکلای او در رد و قبول قاضی و اعضای هیات منصفه در کلیه محاکمات اصل بر برائت متهم است و بار اثبات جرم بر عهده دادستان و یا طرف شاکی قرار دارد.

موازین قضای کشور و حقوق فرد در قبالت دستگاه قضایی در جزئیات بیشتری در بخش های دیگر این برنامه ذکر شده اند.

\*\*\*

روستای "وزل" از توابع نوسود، بر اثر تیراندازی مأمورین انتظامی رژیم جمهوری اسلامی مجروح شد. تاکنون صدها تن از کارگرانی که به دلیل عدم امکانات مالی و اخراج از مراکز کارگری ناچار به اسرار معاش از طریق حمل کالا در مرزها شده اند، بدست نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی به قتل رسیده اند.

\*\*\*

در ادامه حملات نیروهای انتظامی رژیم اسلامی به کارگران مرزی، این بار جوانی ۲۰ ساله قربانی حملات نیروی انتظامی شد. عصر روز جمعه تعدادی از کارگران مرزی منطقه سردشت به کمین نیروهای انتظامی افتادند و بر اثر تیراندازی آنان، جوان ۲۰ ساله ای بنام رحیم قربانی که چند ماه پیش ازدواج کرده بود، کشته شد. از سوی دیگر کارگر مرزی دیگری بنام سیوان فتحی فرزند محمد، از اهالی

رسیدگی به سایر مطالبات آنان، با اجرای تفکیک جنسیتی در کارخانه اقدام به جدا سازی مردان و زنان کارگر نموده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران  
\*\*\*

**نیروهای انتظامی و  
امنیتی جمهوری اسلامی  
همچنان کارگران مرزی  
را مورد حمله قرار  
می دهند.**

است. کارفرمای این کارخانه کارگران را قبل از شروع به کار، مجبور به امضای قراردادهای سفید و نیز استعفا نامه می کند. تا در هر زمان که خود اراده کرد برای اخراج آنان با مانعی روبرو نباشد. از نظر کارگران این کارخانه اخراج همکارانشان تنها به منظور زهر چشم گرفتن از بقیه کارگران بوده و دلیلی برای اخراج آنان وجود نداشته است. اخیراً مدیریت این شرکت بجای پرداخت حقوق کارگران و

### اخراج ۵ تن از کارگران زین بنا پارسیان

طبق خبر رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، به دنبال اعتراض کارگران شرکت زین بنا پارسیان به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه خود، کارفرمای این شرکت اقدام به اخراج ۵ تن از این کارگران نمود. این کارخانه واقع در جاده دهگلان سنندج تولید کننده پروفیل UPVC می باشد و دارای بیش از ۶۰ کارگر زن و مرد

## از صفحه ۱ ماه شهریور سر آغاز تپش ...

اما... امسال شرایط و اوضاع نسبت به سال گذشته امیدوار کننده نیست. چون امسال از حذف یارانه ها گرفته تا گرانی های سرسام آور و از همه مهمتر بیکارسازی های فله ای وازدیاد لشگر ذخیره بیکاران، همه خبر از جیب های خالی خانواده های کارگری می دهند. بنابراین وضعیت امسال نیز همانند سال های گذشته به آمار دانش آموزانی که ناچار به ترك تحصیل می شوند می افزاید. گرچه پس از تعطیلی مدارس در پایان ماه خرداد، اکثر دانش آموزان علی رغم میل باطنی شان پا به بازار بی رحم کار گذاشتند، بازار کاری که متناسب با سن و سال و توانایی های آنان نیست. از ساعات طولانی کار گرفته تا دستمزدهای پایین و ناامنی شغلی و نا ایمن و غیر بهداشتی بودن محیط کار همگی حاکی از پایمال شدن حقوق این نوجوانان و کودکان در بازار کار است. با انجام چنین کارهایی نه تنها حقوق آنان ضایع می شود، بلکه کارهای سخت و زیان آور که متناسب با آنان نیست سلامتی آنان را تهدید میکند. هیچ ارگان و مرجعی به تبعات آن پاسخگو نیست. این در حالی صورت می گیرد که ماده ۷۹ قانون کار با صراحت به کار گماردن کودکان و نوجوانان کم سن و سال را ممنوع اعلام کرده است. ولی کجاست چشم بینا و گوش شنوا! اگر برای چند لحظه هم که شده قیافه خسته

نوجوانی را که غروب از سرکار بازگشته و توان حتی شام خوردن را ندارد و قبل از انداختن سفره بی رونق خانواده به خواب می رود، تجسم کنید، لحظه ای چهره آفتاب سوخته او و دستان تاول زده اش را نگاه کنید. و بعد از هفته ها او را با دستان چین و چروک خود اقدام به شمارش آن شنندر قاز پولی که روزهای زیاد با کار خود بدست آورده میکند. پولی که در زیر آفتاب داغ تابستان در کوره پزخانه ها هزاران خشت زده، یا در حیاط کارگاه های قالی شویی فرشهای خیس و سنگین را بر دوش حمل کرده، یا در پنچرگیری ها و مغاره های مکانیکی یا بر سر چهار راه ها از آدامس فروشی و دستمال کشیدن شیشه ماشین ها، یا در جمع آوری خرده نان و وسایل کهنه در محلات و باربری ... تمامی اینها حاصل دسترنج چهره آفتاب سوخته و رنج دیده این نوجوانان را به تصویر می کشد. که برای بدست آوردن شندرقاز پول، روزانه توهین و سرکوفت و تحقیر را به جان می خرند. سه ماه تعطیلی که می بایست در کلاسهای تابستانی یا در کلوپ های ورزشی و برنامه های تفریحی و سرگرمی یا در مسافرت های تابستانی سپری شده باشد. و اما آن روی سکه؛ خانواده نگران از آتیه فرزند خود را به هر آب و آتشی می زند تا بلکه بتواند به هر صورت ممکن هزینه های مدرسه فرزند خود را تهیه کند. در اواخر

شهریور ماه این اضطراب ها و نگرانی ها به اوج خود می رسد و ده ها سوال چه کنم چه نکنم اذهان را به خود مشغول می کند. آیا این مبالغ کمی که حاصل دستهای تاول زده فرزندم جمع شده است، امکان برآورده شدن نیازهای مدرسه اش را میدهد؟ این پول لباس میشود خرید یا کتاب و کیف و لوازم دیگر مدرسه؟ کدام يك اولویت دارد و با این گرانی مگر می شود همه را تهیه کرد؟ نگرانی و اضطراب باز هم بیشتر می شود. باید به دنبال راه چاره بود. دو راه بیشتر پیش پا نمانده. یا باید فرزند را قانع نمود که کیف و شلوار سال گذشته را به کفشی برد و آن ها را وصله پینه کند، که کار ساده ای نخواهد بود. یا منصرف شدن فرزند از ادامه تحصیل و ترك مدرسه. اینها دغدغه تعداد معدودی از خانواده ها نیست. بلکه اکثریت خانواده های زحمتکش به درجات مختلف گرفتار چنین مصائبی هستند. این سایه های شوم بیش از پیش روی سر کارگران و خانواده هایشان سایه افکنده و فرزندان این اکثریت ها انگار سزاوار چنین زندگی نکبت باری هستند. شریف ساعد پناه کارگر اخراجی کارخانه پریس و عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران ۱۸ شهریور ۹۰

بر گرفته از سایت  
اتحادیه آزاد کارگران ایران

\*\*\*

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

## سوئد:

Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتونید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

## آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

## کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

## هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

## آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrsswift code : BOFAUS

## شماره حساب انگلیس

## ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

## سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

## از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

## کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

## از ایران:

عبدل کلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com



مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!